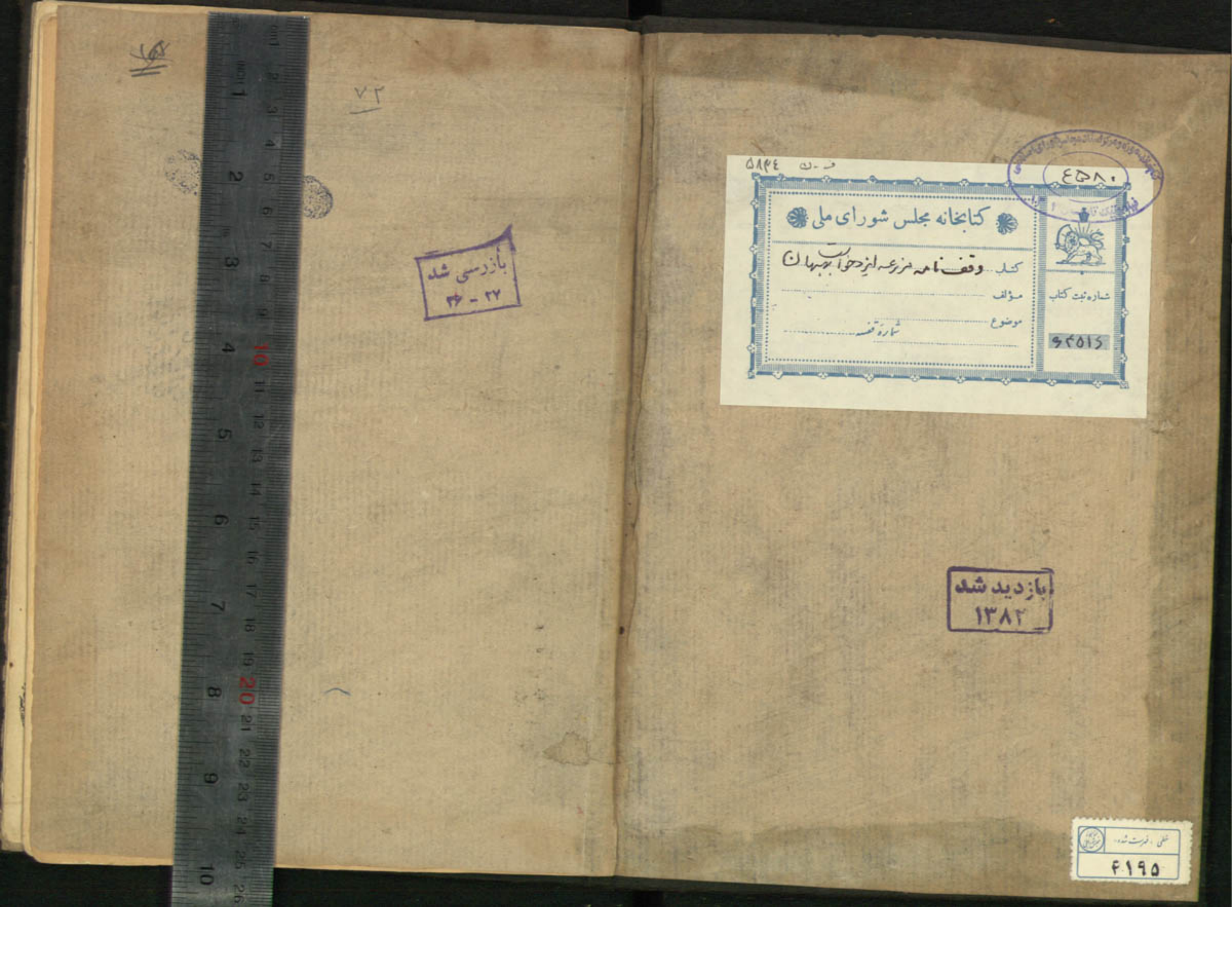

کتابخانه مجلس شورای ملی
خطی فهرست شده
۴۱۹۵

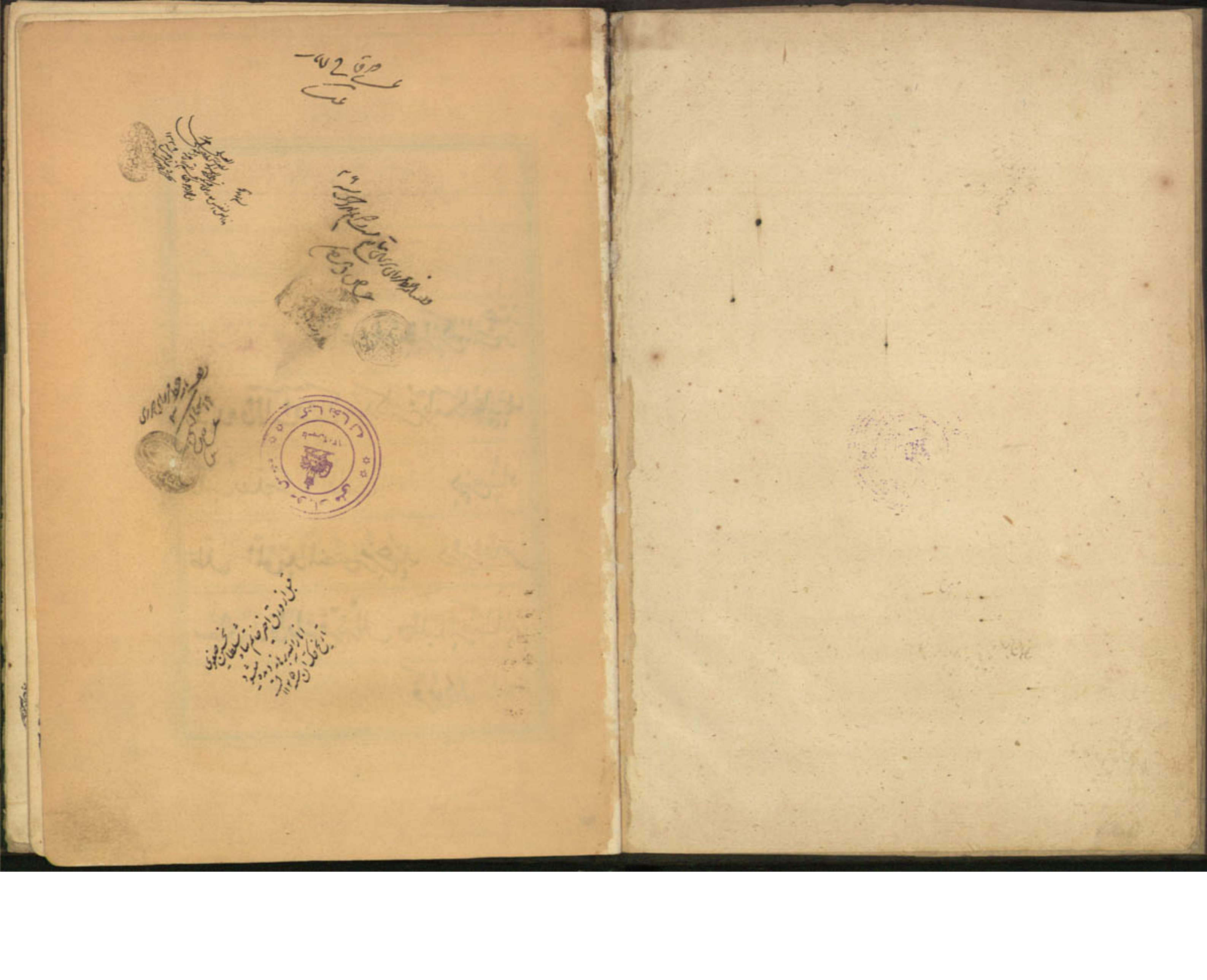


بازرسی شد
۲۷ - ۳۶
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب وقف نامه مزرعه ایزدخواست بهبهان
مؤلف
موضوع
شماره قفسه
شماره ثبت کتاب
۶۳۵۱۶
۴۵۸۰
بازدید شد
۱۳۸۲
۴۱۹۵



۷۳
بازرسی شد
۲۷ - ۳۶
۵۸۴۴ ف - ن
۴۵۸۰
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب وقف نامه مزرعه ایزدخواست بهبهان
مؤلف
موضوع
شماره قفسه
شماره ثبت کتاب
۶۲۵۱۶
بازدید شد
۱۳۸۲
۴۱۹۵


هو
هذا مما انعم الله علی عبده الذلیل الجانی
محمد بن الحاج السید عبدالعظیم الحسینی
۹۵





هو الواقف علی الضمایر

بسم الله الرحمن الرحیم وبه ثقتی وعلیه اعتمادی

بعد التحمید والتصلیة باعث بر تسطیر این کلمات شرعیة
المبدء والمآب آنست که بندگان ثریا مکان عالمیان
مآب مقدس القاب شاهنشاه دین پناه
ظل الله المؤید المنصور من عند الله در این اوان
سعادت توامان قربة الی الله وطلبا لمرضاته
وقف صحیح شرعی وحبس مؤبد دینی فرمودند تمامی

مزرعهٔ معینهٔ معلومهٔ دایرهٔ موسومه بمزرعهٔ
ایزدخواست واقعه در قصبهٔ بهبهان از کوه کیلویه را
که در این وقت مسمی بعلی آباد شده با کافهٔ ملحقات
ومنضمات اسلامیه از اراضی وصحاری ومجاری
وقنوات ودهکده وحصار وقلاع واعیانات
ومراتع ومرابض وسایر ما یتعلق وینسب بها
قدیما وجدیدا که در این وقت بنحو ملی وبنهج شرعی
وطریق عقد نافذ دینی بسرکار عظمت آثار نواب



رسول رب العالمین

کامکار اقدس منتقل شده بود براین نهج که
آنچه بهر جهت و بهر علت از فیض حضرت و
میامن الطاف و شفقت بهم رسد اولا بعد از
وضع آنچه ضرور باشد در آبادی محال مزبور و تنقیه
قنوات و مصالح املاک و بذر ضروری بجهت
سال آینده و آنچه سبب بقای عز و تنمیه و توفیر و
تکثیر حاصل آن بوده باشد و وضع مال الوجهات
مقرری اگر دیگری تبرع بامور مزبوره کند اولا و

بعضا نماید تتمه را باعشار متساوی الاجزا
منظور و یک نصف از یک عشر را متولی شرعی در هر
عصری از اعصار بحق التولیه خود متصرف
و نصف دیگر را در وجه وزیر امینی که در علم
حساب و سیاق ماهر بوده باشد تعیین کرده سال
بسال بمحاسبه رعایای محال مزبوره رسیده
اگر ضرور باشد هر ساله خود در وقت حصاد
محصولات حاضر و در هر باب نهایت اهتمام



نموده سررشتهٔ منقّحه قلمی نماید و یک نصف
از عشر دیگر را بصیغهٔ حق النظارهٔ در وجه
ناظر آتی ذکره مقرّر و ناظر مزبور بامر نظارت
اتیان و آنچه باو مفوّض است از اطلاع بر ضبط
حاصل و تنسیق محلّ و سعی و اهتمام در زراعت و
ایصال بمصارف مقرّرهٔ وقف و اطلاع بر سررشتهٔ
وزیر و تشخیص محاسباتی که قلمی شود مطّلع بوده
نهایت اهتمام نماید و نصف بقیه را در وجه

الله

محصّلی مقرّر دارد که ساعی در باب نقد نمودن
حاصل محلّ مزبور بوده محصّلی و تأکید نماید و وزیر
و ناظر مزبور نیز را در ابواب مزبوره و اهتمامی که
در هر باب ضرور باشد بعمل آورد و دو عشر بقیّه
را میانهٔ اولاد امجاد ذکور و اناث نوّاب کامیاب
سپهر رکاب اقدس واقف موفّق ادام ظلاله
علی مفارق العالمین بالسّویّه دون المزیّه یعنی
هر یکرا بر اسبه و انفراد مقدّم بر اولاد او داشته



وبعد از هر یک از اولاد حصهٔ او را بدستور
میانهٔ اولاد او ذکوراً و اناثاً و هکذا ما تناسلوا
و تعاقبوا نسلاً بعد نسلٍ و عقباً بعد عقب
بشرط تقدم بطن اعلی بر بطن اسفل بالسویة دون
المزیة قسمت نمایند و ها کام در هر بطنی از بطون
هر یک از اولاد که ولد بوده باشد ولد ولد او را
نصیبی نخواهد بود و اگر احدی از اولاد بجنات
عدن بخرامد و از او ولادی نبوده باشد حصهٔ

او را با خوه و اخوات او بالمساوات ایصال
و با عدم اخوه و اخوات با ولاد کرام ایشان
از ذکور و اناث بدستور و با فقدان اولاد و
اولاد اولاد اخوه و اخوات میانهٔ اعمام و
عمات که از اولاد واقف ابد سلطنته بوده
باشند بطریق مسطور که در هر طبقه از طبقات
والد را اولاد خودش مقدم است قسمت بایشان
عاید سازند و اگر العیاذ اولاد واقف موفق



الله

سیدة النساء فاطمة الزهراء صلوات الله وسلامه
علیها وعلی ابیها وبعلها واولادها الی یوم الدین

ابد دولته الی انقراض منقرض شوند ثلث
عشر بقیه را فیمابین مستحقین سادات عظام
کرام منتسبین بسیده معصومه زکیه صدیقه
کریمه مظلومه حبیبه باین نحو تقسیم نمایند
که هر ساله هر نفری را از پنج تومان زیادتر و از
سه تومان کمتر ندهند و تعیین مقدار بین المبلغین
منوط برای رزین متولی شرعی است که علی
قدر استحقاقهم ایصال و اگر قلیلی باقی ماند

مختارند که علاوه بعضی از جهات مذکوره را
بدیگری از سادات مستحق پریشان رسانند
و تولیت وقف مزبوره را تفویض نمودند بنفس
انفس و ذات مقدس خود ما دامت الارض معموره
بفیض عدله واحسانه و بعد از خود بهر کس که
سلطان عصر و پادشاه ممالک فسیحة المسالک
ایران باشد و هرگاه سلطنت با جلی از اولاد
عظام نواب عالمیان مآب واقف موفق ادام



سلطنت الی یوم القیام استقرار یابد حق

التولیه اضافه حصه او خواهد بود و نظارت

وقف مزبور را بهر کس که بمنصب ایشیک آقاسی باشی گری

حرم محترم جلو سرافراز بوده باشد مفوض فرمودند

واگر در حینی از احیان منصب مزبور بکسی مفوض

نشده باشد هر کس که بامر مزبور مباشر باشد

باو مفوض خواهد بود تا وقتی که آن منصب بالاصالة

مرجوع شود و بعد از آن باو مفوض خواهد بود

و در

وخدمت تحصیل بدستور متن با ریش سفید

حرم اصفهان ازرست و شرط شرعی فرمودند که

مزرعه مزبوره را نخرند و نفروشند و نبخشند

و رهن ننمایند و بمیراث نبرند و تغییر و تبدیل

ندهند و اعیانات در محل مزبور که باعث

تصرف جمعی شود و همچنین غرس اشجار و احداث

انهار و سایر آنچه باعث آن شود که بعضی دست

تصرف در آورند ننمایند و باجاره طویله و



مطلقا بارباب دولت باجاره ندهند
وکذا اشترط فرمودند که مادام خود متولی باشند
ابد دولته الی یوم التناد بیک نصف عشر حق
التولیه را در هر یک از وجوه بر که مناسب دانند
صرف نمایند و مزرعهٔ مزبوره را از ید ملکیت
خود اخراج و بتصرف وقف دادند و الحال
ید مبارک ایشان ید تولیت است و مال وجهات
وخارج آلمان و سایر جهات مزرعهٔ مزبوره را

بدستور متن بسیورغال ابدی موقوف علیهم
مقرر فرمودند و صیغهٔ شرعیه بر وفق شریعت
مقدسه جاری ساختند و اختلاف از وقف با
اصل متن مجرد این است که در متن حق السعی
و نیز پیش از بذر و سایر ضروریات وضع
شده که نسبت بحق التولیه و حق النظاره
و حق السعی محصل بیشتر خواهد بود و در این
وقف حق السعی و نیز بعد از وضع بذر و



الله

ضرور بایست که با حق التولیه و حق

النظاره و حق السعی محصل مساوی است و

زیاده و کمی ندارد فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه

علی الذین یبدلونه انّ سمیع علیم و کان ذلک

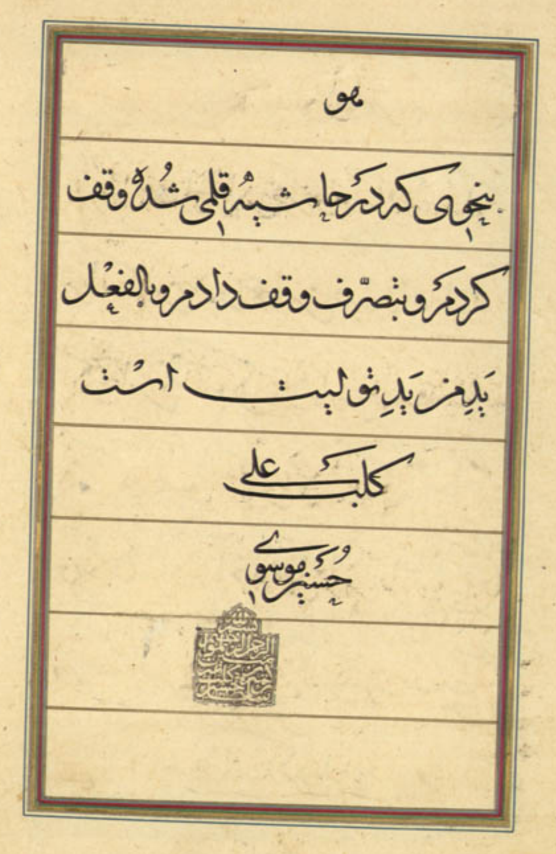
الوقف فی تاسع شهر ذی القعدة الحرام من

۱۱۲۷

شهور سنة سبع و عشرین و مائة بعد

الالف من الهجرة المبارکة علی مهاجرها و آله الف

الاف سلام و صلوة و ثناء و تحیة



هو

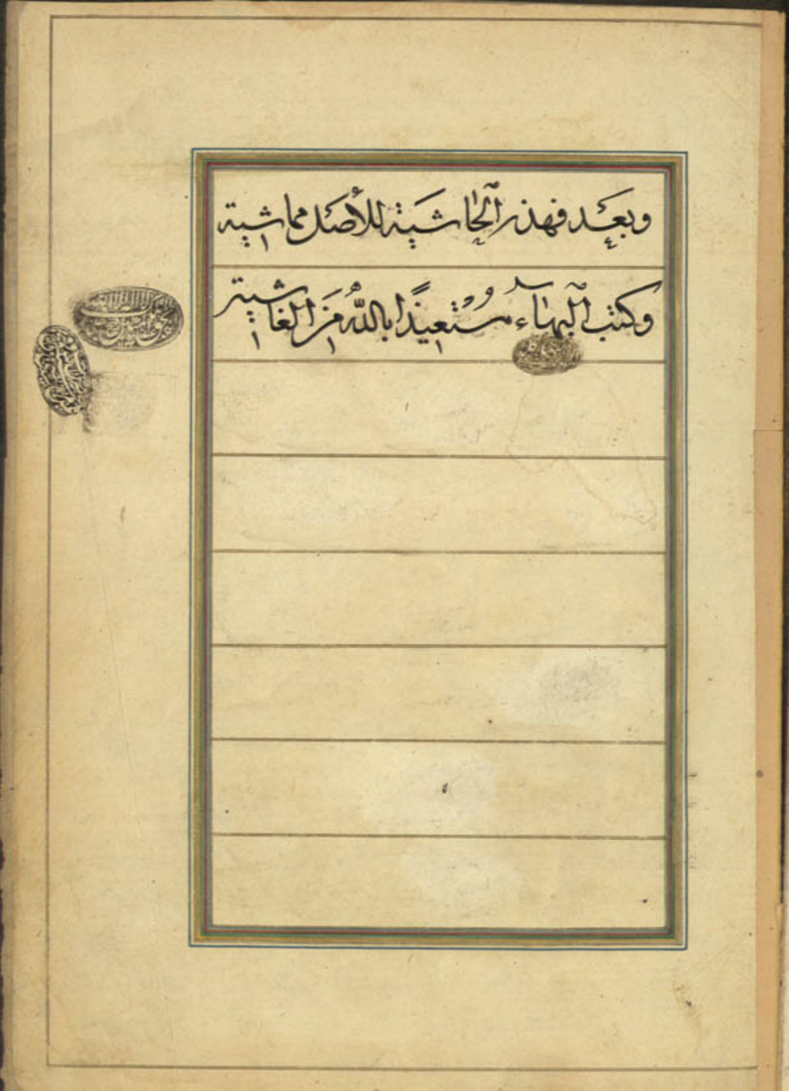
بنحوی که در حاشیه قلمی شده وقف

کردم و بتصرف وقف دادم و بالفعل

بید من بید تولیت است

کلب علی

حسین موسوی



وبعد فهذه الحاشیة للأصل مماشیة

وکتب البهاء مستعیذا بالله من الغاشیة

هو الله تعالی شانه

بفرمان قضا جریان قدر توامان بندگان

ثریا مکان خدیو جهان و قبلهٔ عالمیان

کرجان ما سمکی غلامان فدای غبار

قدم همیون شان باد بندهٔ خاص

و بندهزادهٔ با اخلاص آستان خلافت نشان فتح علی

بر مضامین بلاغت آمیز این کتاب مستطاب

شاهد گردید

